

یازدهمین^۹ یا دوازدهمین^{۱۰} مسلمان بوده است. گزارشی نیز اسلام آوردن وی را هم هنگام با ابوعبیده جراح و عثمان بن عفان در یک روز دانسته است.^{۱۱} بر پایه سخن مشهور، در سال‌های نخست بعثت و پیش از علنی شدن دعوت اسلام، خانه ارقم* در دامنه کوه صفا^{۱۲} مکان همایش و دیدار مخفیانه مسلمانان با پیامبر ﷺ بود^{۱۳} تا آن‌گاه که شمار مسلمانان به ۴۰ تن رسید و از آن‌جا بیرون شدند.^{۱۴} (خانه ارقم) ارقم از مهاجران به مدینه است.^{۱۵} در پیمان برادری در مدینه، پیامبر ﷺ او را با ابوطلحه زید بن سهل نجاری^{۱۶} (طلحه بن زید)^{۱۷} و به گزارشی ضعیف، با عبدالله بن انیس^{۱۸} برادر خواند. او در غزوه‌های پیامبر ﷺ حضور داشت.^{۱۹} در

۹. الاستیعاب، ج ۱، ص ۲۱۸؛ الاصابه، ج ۱، ص ۱۹۷.
۱۰. الاستیعاب، ج ۱، ص ۲۱۸؛ اسد الغابه، ج ۱، ص ۷۴.
۱۱. البداية و النهایه، ج ۴، ص ۱۰۳۱.
۱۲. اخبار مکه، ج ۲، ص ۲۶۰.
۱۳. الطبقات، ج ۳، ص ۱۸۳؛ الاستیعاب، ج ۱، ص ۱۳۱؛ جمهره انساب العرب، ص ۱۴۳.
۱۴. الطبقات، ج ۳، ص ۱۸۵؛ الاستیعاب، ج ۱، ص ۱۳۲؛ اسد الغابه، ج ۱، ص ۶۰.
۱۵. الاستیعاب، ج ۱، ص ۱۳۱؛ اسد الغابه، ج ۱، ص ۷۴.
۱۶. الطبقات، ج ۳، ص ۱۸۵؛ انساب الاشراف، ج ۱۰، ص ۲۱۵؛ المحجر، ص ۷۳.
۱۷. اسد الغابه، ج ۱، ص ۹۵؛ ج ۲، ص ۴۶۷؛ عیون الاتر، ج ۱، ص ۲۶۷؛ سبل الهدی، ج ۳، ص ۳۶۶.
۱۸. البداية و النهایه، ج ۵، ص ۳۶۲؛ تاریخ دمشق، ج ۴، ص ۳۲۶.
۱۹. الطبقات، ج ۳، ص ۱۸۵؛ انساب الاشراف، ج ۱۰، ص ۲۱۵؛ تاریخ طبری، ج ۱۱، ص ۵۱۹.

ارقم بن ابی ارقم: از نخستین مسلمانان و مهاجران؛ دفن شده در قبرستان بقیع

ارقم بن عبدمناف (ابی ارقم) بن اسد از تیره بنی مخزوم* قریش و کنیه‌اش ابوعبدالله است.^۱ در روزگار جاهلیت، کنیه‌اش ابوعبدمناف بود و چون مسلمان شد، به ابوعبدالرحمن تغییر یافت.^۲ در اسلام آوردن پدرش اختلاف است. ابن اثیر به گزارش از ابوخیثمه، پدرش را مسلمان دانسته؛^۳ ولی ابن عبدالبر آن را نپذیرفته است.^۴ مادر ارقم، اُمیمه دختر حارث بن حباله از بنی خزاعه بود.^۵ بر پایه نوشته ذهبی، ارقم از خردمندان قریش بود^۶ و در پیمان حلف الفضول* شرکت داشت.^۷

ارقم در شمار اسلام آورندگان نخستین است. فرزندانش او را هفتمین مسلمان^۸ دانسته‌اند؛ ولی بر پایه گزارش‌هایی، او

۱. الطبقات، ج ۳، ص ۱۸۳؛ تاریخ طبری ج ۱۱، ص ۵۱۹، ۶۷۳؛ الاستیعاب ج ۱، ص ۱۳۱.
۲. انساب الاشراف، ج ۱۰، ص ۲۱۴.
۳. اسد الغابه، ج ۱، ص ۶۰.
۴. الاستیعاب، ج ۱، ص ۱۳۱.
۵. الطبقات، ج ۳، ص ۱۸۳؛ معرفة الصحابه، ج ۱، ص ۳۲۲؛ اسد الغابه، ج ۱، ص ۸۷.
۶. سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۴۷۹.
۷. الاستیعاب، ج ۱، ص ۱۳۱.
۸. الطبقات، ج ۳، ص ۱۸۳؛ انساب الاشراف، ج ۱۰، ص ۲۱۴؛ الاستیعاب، ج ۱، ص ۱۳۱.

برابر، برخی گزارش‌ها تنها به حضور او در بدر اشاره دارند.^۱ پیامبر ﷺ به درخواست وی، شمشیری گرانبها متعلق به بنی‌عائد بن عمرو از بنی‌مخزوم را که در شمار غنیمت‌های غزوه بدر بود، به او بخشید.^۲ نیز در سریه‌ای در اواخر سال سوم ق. به سوی قبیله بنی‌اسد به فرماندهی ابوسلمه بن عبدالاسد مخزومی همراه او بود.^۳ گویند: پیامبر در محله بنی‌زریق زمینی به او بخشید و او در همان محله ساکن شد.^۴

نام ارقم در شمار کارگزاران زکات^۵، کاتبان پیامبر^۶ و نگارندگان وحی^۷ نیز آمده است. قرارداد اقطاع* برای عظیم بن حارثی محاربی در فح^۸، نامه‌های پیامبر به عاصم بن حارث و عبدیغوث بن وعله از بنی‌حارث^۹ و نیز نامه‌ای به آجب، مردی از بنی‌سُلیم، را او نگاشته است.^{۱۰}

بر پایه گزارشی، ارقم می‌خواست به زیارت بیت المقدس رود؛ اما چون از پیامبر ﷺ شنید

که یک رکعت نماز در مسجدالنبی، از ۱۰۰۰ رکعت در مساجد دیگر، جز مسجدالحرام، بهتر است، از رفتن به قدس منصرف شد.^{۱۱} وی از روایان حدیث پیامبر ﷺ بوده است.^{۱۲}

ارقم پس از رحلت پیامبر ﷺ تا دهه ۵۰ ق. زنده بود. در منابع، گزارشی از نقش سیاسی و اجتماعی او در این دوره به چشم نمی‌خورد. در گذشت وی را به سال ۵۳ ق. به سن ۸۳ سالگی^{۱۳} و نیز به سال ۵۵ ق.^{۱۴} در ۸۵ یا ۸۷ سالگی^{۱۵} در مدینه گزارش کرده‌اند. گویند: بر پایه وصیت او، سعد بن ابی‌وقاص بر پیکرش نماز گزارد و او را در قبرستان بقیع به خاک سپردند.^{۱۶} خبری نیز از ابونعیم روایت شده که ارقم در روز وفات ابوبکر به سال ۱۳ ق. در گذشته است. اما صاحبان شرح حال‌نامه‌ها این گزارش را نپذیرفته‌اند.^{۱۷} ابن حجر احتمال داده است در این سال پدر او در گذشته باشد.^{۱۸}

۱۱. اسد الغابه، ج ۱، ص ۷۴.	۱. المغازی، ج ۱، ص ۱۵۵؛ انساب الاشراف، ج ۱، ص ۲۱۴.
۱۲. مسند احمد، ج ۱، ص ۴۱۷؛ الأحاد و المثانی، ج ۲، ص ۱۹.	۲. السیره النبویه، ج ۲، ص ۴۶۹؛ المغازی، ج ۱، ص ۱۰۴؛ اسد الغابه، ج ۳، ص ۵۸.
۱۳. تاریخ الاسلام، ج ۴، ص ۱۷۳؛ سبل الهدی، ج ۱۱، ص ۳۷۷.	۳. المغازی، ج ۱، ص ۳۴۱.
۱۴. الطبقات، ج ۳، ص ۱۸۵؛ انساب الاشراف، ج ۱۰، ص ۲۱۵؛ تاریخ طبری، ج ۱۱، ص ۵۱۹.	۴. الطبقات، ج ۳، ص ۱۸۴.
۱۵. البداية و النهایه، ج ۵، ص ۳۶۳؛ الاصابه، ج ۱، ص ۱۹۸.	۵. اسد الغابه، ج ۱، ص ۶۰.
۱۶. المنتظم، ج ۵، ص ۲۸۱.	۶. البداية و النهایه، ج ۵، ص ۳۶۳.
۱۷. اسد الغابه، ج ۱، ص ۶۰.	۷. البداية و النهایه، ج ۵، ص ۳۶۳.
۱۸. الاستیعاب، ج ۱، ص ۱۳۲؛ اسد الغابه، ج ۱، ص ۶۰؛ الاصابه، ج ۱، ص ۱۹۸.	۸. البداية و النهایه، ج ۵، ص ۳۶۳.
۱۹. الاصابه، ج ۱، ص ۱۹۸.	۹. الطبقات، ج ۱، ص ۲۰۵-۲۰۶.
	۱۰. الطبقات، ج ۱، ص ۲۱۰.

گروهی از علماء بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۳ق؛ سبل الهدی: محمد بن یوسف الصالحی (م. ۹۴۲ق.)، به کوشش عادل عبدال موجود و علی معوض، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۴ق؛ سیر اعلام النبلاء: الذهبی (م. ۷۴۸ق.)، به کوشش الارنؤوط، بیروت، الرساله، ۱۴۱۳ق؛ السیره النبویه: ابن هشام (م. ۲۱۳/۲۱۸ق.)، به کوشش السقاء و دیگران، بیروت، دار المعرفه: الطبقات الکبری: ابن سعد (م. ۲۳۰ق.)، به کوشش محمد عبدالقادر، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۰ق؛ عیون الاثر: ابن سید الناس (م. ۷۳۴ق.)، به کوشش ابراهیم رمضان، بیروت، دار القلم، ۱۴۱۴ق؛ المحبّر: ابن حبیب (م. ۲۴۵ق.)، به کوشش ایلزه لیختن شتیتیر، بیروت، دار الافاق الجدیده؛ مسند احمد: احمد بن حنبل (م. ۲۴۱ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۵ق؛ معرفة الصحابه: ابونعیم الاصفهانی (م. ۴۳۰ق.)، به کوشش العزازی، ریاض، دار السوطن للنشر، ۱۴۱۹ق؛ المغازی: الواقدی (م. ۲۰۷ق.)، به کوشش مارسدن جونس، بیروت، اعلمی، ۱۴۰۹ق؛ المنتظم: ابن الجوزی (م. ۵۹۷ق.)، به کوشش محمد عبدالقادر و دیگران، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۲ق.

محمد حسین الهی زاده



ارکان حج: شماری از مناسک اصلی

حج

واژه ارکان، جمع رکن به معنای تکیه گاه و بخش اساسی هر چیز است.^۳ در فقه نیز به جزء اصلی هر کار رکن گفته

۳. النهایه، ج ۲، ص ۲۶۰؛ لسان العرب، ج ۱۳، ص ۱۸۶، «رکن».

ارقم دو پسر به نام های عبیدالله و عثمان از کنیزش داشت که بیشتر گزارش های مربوط به ارقم از طریق آن دو رسیده است. سه دختر نیز از وی به نام های امیمه و مریم از هند دختر عبدالله بن حارث اسدی و صفیه از کنیزش بر جای ماند.^۱ نسل ارقم از پسرش عثمان ادامه یافت.^۲

◀ منابع

الاحاد و المثانی: الضحاک (م. ۲۸۷ق.)، به کوشش احمد الجوابره، دار الدرایه، ۱۴۱۱ق؛ اخبار مکه: الارزقی (م. ۲۴۸ق.)، به کوشش رشدی الصالح، مکه، دار الثقافه، ۱۴۰۳ق؛ الاستیعاب: ابن عبدالبر (م. ۴۶۲ق.)، به کوشش علی محمد البجاوی، بیروت، دار الجیل، ۱۴۱۲ق؛ اسد الغابه: ابن اثیر علی بن محمد الجزری (م. ۶۳۰ق.)، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۹ق؛ الاصابه: ابن حجر العسقلانی (م. ۸۵۲ق.)، به کوشش علی محمد و دیگران، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق؛ انساب الاشراف: البلاذری (م. ۲۷۹ق.)، به کوشش زکار و زرکلی، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۷ق؛ البدایه و النهایه: ابن کثیر (م. ۷۷۴ق.)، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۷ق؛ تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر: الذهبی (م. ۷۴۸ق.)، به کوشش عمر عبدالسلام، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۱۳ق؛ تاریخ طبری (تاریخ الامم و الملوک): الطبری (م. ۳۱۰ق.)، به کوشش محمد ابوالفضل، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۸۷ق؛ تاریخ مدینه دمشق: ابن عساکر (م. ۵۷۱ق.)، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۵ق؛ جمهره انساب العرب: ابن حزم (م. ۴۵۶ق.)، به کوشش

۱. الطبقات، ج ۳، ص ۱۸۳؛ انساب الاشراف، ج ۱۰، ص ۲۱۵.

۲. الطبقات، ج ۳، ص ۱۸۳.